هدیه مرحوم حاج شیخ
محمدباقر سروقد رضوی

آستان قدس

۱۳۸۷ / ۶ / ۲۱

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب روضة الشهداء

مؤلف متن حسین بن علی کاشفی محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۲۲

موضوع تاریخ اخبار زبان فارسی عدد اوراق ۲۸۲

طول ۲۲,۲ عرض ۱۲ شمارهٔ عمومی ۲۹۴۳۸

وقفی ~~خریداری~~ انتقالی از دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تاریخ وقف مهرماه ۱۳۶۲ هش نام کاتب

ملاحظات

۲۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

اي شربت درد تو دواي دل ما … آشوب بلاي تو عطاي دل ما … الحكم لله تعالى
از نامهٔ حمد تو صفاي دل ما … وز نام حبيب تو شفاي دل ما … والله عزيز حكيم

حضرت صبور بي ملال وشكور بي زوال نعمت عطيانه وطابت بلياته در كتاب كريم وكلام لازم الكريم رمزه بلا رسيدگان ميدان محبت محنت كشيدگان معركهٔ مشقت را بدين خطاب دل نواز معامله آزمايندگان معزز و سرافراز ساخته كه ولنبلونكم هر آينه مي آزمائيم شما را يعني با شما معامله آزمايندگان ميكنيم هر چند حال همه بر ما پوشيده نيست اما ميخواهيم عيار كار و بار هر كس بمحك امتحان ظاهر گردد عالميان بدانند كه كدام نقد از خلاص ابتلا پاك و بيغش بيرون آيد فرد خوش بود گر محك تجربه آيد بميان تا سيه روي شود هر كه در وغش باشد و آزمايش الهي بچند نوع درين آيت واقع شد بشيء من الخوف بچيزي اندك از ترس كه آن خوف الهي باشد يا از ماتم والجوع بگرسنگي كه آن قحط است و تنگي معاش يا روزه داشتن ونقص من الاموال ونقصان بعضي مالها بتاراج حادثات يا اخراج زكوة و صدقات والانفس ونقصان در نفسها كه آن بيماري باشد يا ضعف و عجز واحتياج و بي نوائي والثمرات ونقصان ميوها و تلف محصولات بآفات ارضي وسماوي يا بمرگ فرزندان كه ميوهٔ باغ دلند و روشني چراغ بصر و ثمرهٔ نهال

امتحان

پدر و مادر وبشر الصابرين وبشارت ده صبر كنندگان را كه درين بليات طايفهٔ شكيبائي پيش آرند و رسوم جزع و فزع و شكايت فرو گذارند نظم
جام محنت خورند دم نزنند … جز براه وفا قدم نزنند
خوش بسوزند در بلا چون عود … كه از ايشان برون نيايد دود
الذين آن صابران كه استحقاق بشارت دارند آنانند كه بحكم الهي و فرمان پادشاهي اذا اصابتهم مصيبة شعر افني بابليتي وبكبتي وادّيتي قالوا گويند از روي اخلاص بطريق اختصاص كه انا لله بدرستي كه ما از خداونديم و بكمند بندگي او دربنديم پس هر چه از خواجه به بنده رسد و از مالك بمملوك واقع گردد جز تسليم و رضا و انقياد حكم قضا چاره نباشد وانا اليه وما بسوي مجازات ومكافات او راجعون باز گردندگانيم يعني رجوع ما بحضرت او خواهد بود و او جزاي افعال و كردار ما خواهد رسانيد كه بحكم او خرسند باشيم مستوجب صواب ابد گرديم و اگر از آنچه مراد اوست سر به پيچيم مستحق عذاب مخلد شويم فرد سر قبول ببايد نهاده گردن طوع … كه هر چه حاكم عادل كند همه داد است مضمون اين آيت وافي هدايت مشعر است بآنكه بلا محك نقد عالميان و معيار تجربهٔ احوال آدميانست تا هر كه دعوي كند محبت نقد حال او را در بوتهٔ بلا و كورهٔ عذاب بآتش امتحان و ابتلا بگدازد و اگر از غش هواي نفس دني و غل از روي خبيس پاك و پاكيزه است از كورهٔ خلاص از مايش خالص بيرون آيد و ضراب و ثمرات عنايت چهرهٔ او را از دار الضرب محبت سكهٔ قبول بيارايد و اگر مغشوب و معيوب است او را درنيران آن فراق بسمت انصراف موسوم شده ودود وابد گردد و در يكي از كتب سماوي مذكور است كه من احبّ اذا احبّ ينصبّ عليه البلايا يعني هر كه دوستي خدا كند و بدست ارادت حلقهٔ در محبت زند يا هر كه حق سبحانه وتعالى او را خلعت محبوبيت بپوشاند يا جرعهٔ قبوليت بنوشاند باران بلا از ابر محنت و عنا پياپي بر فرق او ريزان گردد و شادي و بهجت و آسايش و راحت بتمامي از وي گريزان شود البلاء للولاء كاللهب

فراق بسمت انحراف موسوم

پس بیرون آمد کودکی بر دوش گرفته که گویا ماه شب چهارده است در سر سالگی
پس فرمود که ای فلان اگر نه تو پیش خدای گرامی بودی من این فرزند خود را پیش تو
نیاوردمی و نمودمی نام این کودک نام رسول الله است صلی الله علیه و آله
و سلم و کنیت وی این کنیت وی و این جهان را پر از عدل و داد کند همچنانکه
پر از ظلم و جور شده باشد و بقول بعضی او را زنده میدانند میگویند که در اقطار
جهد و مغرب شهرها در تصرف اوست او را فرزند اثبات میکنند و حق سبحانه و
تعالی بدین دانا ترست انه یعلم السر و اخفی خدای میداند شعر هر نکته
که او را نهانست بر علم خدای ما نهانست این بود کلمه چند از نسب سادات
بزرگوار و عظامی عالیمقدار ما لکان ممالک نقابت مرشدان مسالک
نجابت ستار کال بسیل سعادت شعر کرام لهم عین الامامة منبع
شموس لهم برج الکرامة مطلع فیا نسبا کالشمس ابیض واضحا
و یا شرفا من هامة النجم ارفع آل پیغمبر حریم کبریا را محرمند آل
پیغمبر زحرمت فخر آل آدمند نسبت آل نبی با سایر خلق جهان گر کنی چون نسبت
المثل بحر محیط و شبنمند روح الله ارواحهم و قدس لا یزال الافضال
اشباحهم بعد و لطف ربانی و عطاف سبحانی رقم نسخه کلک بیان
شما و الحمد لله حق حمده جل سبحانه و تعالی ارواح مقدسه ایشان را سلسال وصال
و سلسبیل قرب اتصال در روضات جنات عدن مفتحة لهم الابواب مونسه
و تازه و سیراب دارد و رواج بیاس برکت و فوایح مواهب حبیبت از
حدائق روح در حجت روحانیت ایشان بشام کافه اهل اسلام برساند و بنای

دولت این نجیب انسب ملوک انام و امجد و اسعد ذوی الاجلال و الاعظام
علاء السادات النقباء الافخمین خلاصه ودایع انبیا رکن فلک الثقلین سلطان
نشان عالم اقبال و مکرمت مسند نشین منصب اجلال و اقتدار
خورشید آسمان نقابت که بود دست سادات را بحضرت عالیش افتخار
نور دیده سلطنت کبری چراغ دوده خلافت عظمی نقاوت السلاطین خلاصه ابنا
الماء و الطین قطب فلک برکت مرکز دایره العظمت و السطوة خسرو
جمشید جام و داور دارا علم شاه کیخسرو رخ سلطان اسکندر لقا سرور عالی
نسب دین پرور واجب آفتاب اوج شاهی سایه لطف خدا مرشد
دین شاه عبد الله که حکم ازل در ممالک مشتهر باشد بسید میرزا الا زالت دوحة
الاقبال مثمرة بجلاله و لمعة الدولة مشرقة من افق کماله سایه اشفاق بی‌تناهی
بفیضان فضل الهی بر مفارق اعاظم کرام و اکارم عظام مبسوط و مخلد و مستدام
باد و فرزند بزرگوار عالیمقدارش که قرة العین سادات کامله و غره جبهه
سعادات شامله است گوهر صدف شهریاری ملحوظ نظرات عنایات
الهی شهی که از لمعات دل منور او چه آفتاب تجلی کند ز منظر او
عمده دولت و ملت محمد برکه که تاج دهر بود گوهری ز افسر او بسی به بحر
شرف غوص کرد عقل شریف دری نیافت به پاکیزگی گوهر او ذخیره الله
بعلو المراتب و شرف بسمو المناقب در ظل ظلیل والد ماجد خود با علی
مراتب ابا عظام و اقصی مآرب اجداد کرام برساناد پر نور باد چشم امید از جبین سر

سرور باد قدر پسر از چنین پدر آمین یا رب العالمین والحمد لله الحق
المبین والصلوة والسلام علی افضل المرسلین سیدنا محمد وآله
وعترته الطیبین الطاهرین

تمت